

# هو الله - حمداً لمن ادار اقداح الهدى في محفل اهل الوفاء...

حضرت عبدالبهاء

اصلي فارسي



۸۲

هو الله

حمداً لمن ادار اقداح الهدى في محفل اهل الوفاء و سقاہم نحر العطاء فثملوا من الرّحیق الاحلی و نطقوا بالثناء و انجذبوا الى الحديقة النّوراء و اقتبسوا من النّار الموقدة في سدرۃ سیناء و سمعوا نداء الله من تلك الشّجرة الخضراء و خروا مغشياً علیہم في صقع التجلّي عند مسجد الاقصی ثم افاقوا عند ما تکرّر النّداء من الافق الابهی و بعثوا عن مرقد النّفس و الهوی بید بیضاء و ایدوا بسلطان مبین بین الوری نفسی لهم الفداء روحی لهم الفداء کینونتی لهم الفداء بما سعوا الى مشهد الفداء و انفقوا ارواحهم فی سبیل الله و لم تأخذهم لومة لائم حباً بالجمال الاعلی و علیہم التّحیة و علیہم البهاء و الثّناء .

ای ثابت بر میثاق بارقه کوکب اشراق مانند پرتو صبح منتشر در آفاق گشته و ظلمات جهل و نفاق محو و نابود گردیده. نیر اعظم چون از افق عالم درخشید پرتوش در جمیع اقالیم منتشر گردید و حال آثار آشکار گردید. قوم جهول در آن عهد اسیر اوہام و ظنون بودند و چون بیان مبارک را استماع مینمودند سخره و استهزا میکردند کہ این شخص سرگون به عراق چگونه شعله به آفاق زند و این نفس مظلوم را چه قدرت کہ بنیانی رحمانی و قصری آسمانی تأسیس نماید. حال واضح و مشہود شد کہ بیان او برهان مبین بود و سبیل او صراط مستقیم معاندان مانند حشرات به زاویہ حسرات خزیدند و به خسران مبین رسیدند جمال احدیت پرده گشود و در قطب آفاق جلوه نمود صیت الهی شرق و غرب را احاطه کرد و ولوله و زلزله در



ORIGINAL



AUDIO

خاور و باختر انداخت با وجود این حشراتی چند باز آغاز جدال نمودند و خفاش صفت تیرگی آفتاب میثاق خواستند و جعل آسا حدیقه پیمان را مبعوض داشتند و به رائحه کربیه گلخن نقض الفت یافتند. این چه نادانی است این چه سرگردانی این چه جهالت است و این چه غباوت این چه کوری است و این چه مهجوری؟ یا اسفا علی ما فرطوا فی امر الله و قد رموا انفسهم فی خسران مبین.

حال یاران الهی باید در آن سامان این اذکار را بکلی فراموش نمایند و ذرهم فی خوضهم یلعبون گویند، به تبلیغ امر الله پردازند بر عزت ابدیه جمال ابهی اقامه دلیل کنند و هدایت سبیل نمایند و ذکر ربّ جلیل بلند کنند و مانند اسرافیل حیات جدیده در قلوب و نفوس بدمند. این است مغناطیس تأیید این است قوت جاذبه در این دور جدید این است واسطه کبری این است سبب وصول به منظر اعلی این است کوکب لا افول له و سراج لا نحمود له و بحر لا سکون له و عليك التّحیة و الثّناء.

ربّ ربّ لك الحمد بما حطمت اجنحة طیور اللیل و منعتم عن السیر و كشفت الظّلماء و اظهرت فجر الهدی بشعاع ساطع علی الارحاء و لك الشّكر بما رفعت اللّواء و اعلنت النّداء و وقّقت علی التّقی و انقذت من الشّقی و ادرت كأس الصّفاء و سقیت الكلّ من حمیاء الوفاء و اسكرتهم فی محفل اللّقاء ربّ عجزت الالسن عن الثّناء و قصرت النّفوس شكراً علی الموائد و الآلاء شاخصه الابصار عند سطوع النّور من الافق الاعلی. ربّ ایدنا علی خدمتك و وقّقنا علی عبودیة عتبتك و ارزقنا اثمار دوحه معرفتك و ادخلنا فی حدیقه موهبتك و اخلدنا فی جنّة احدیّتك و اجعلنا ارقاء لك نبهآ فی امرك و وراثآ انبیائك و رسلك عباد مكرمون لا یسبقونه بالقول وهم بامرهم یعملون. ربّ اهد ثلّة المحرومین و عصبة المجرمین و نجّهم من غمار الهوی و انقذهم من بحار الشّقی و نور وجوههم بنور المیثاق و اجعلهم آیات الحبّ تتلأأ علی الآفاق و ارفع عن اعناقهم الاغلال انك انت الکریم العزیز الوهاب و انك انت الرّحیم عظیم الآلاء لا اله الا انت العزیز المتعال. ع ع

